

مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی (ترجیحات رأی‌دهی) مردم از دیدگاه امام خمینی(ره)

فاطمه قنائی^۱
نوراله قیصری^۲

چکیده

نظام جمهوری اسلامی ایران از بدو تأسیس تاکنون یکی از نظام‌های حکومتی دنیا می‌باشد که بیشترین انتخابات را تجربه و برگزار نموده است. جمهوری بودن ساختار نظام و انتخابی بودن مناصب و مقامات تقنینی و اجرایی از جمله شاخص‌های مردم‌سالاری نظام جمهوری اسلامی ایران است که بستر مناسبی را برای حضور گسترده شهروندان، گروه‌ها و احزاب در جهت تعیین سرنوشت سیاسی از طریق انتخابات فراهم نموده است. قانون جمهوری اسلامی ایران نیز برگرفته از احکام اسلام است که بر مسأله «مشارکت مردم» و سهم کردن آنان در اداره جامعه و صاحب حق بودن مردم، تأکید نموده و اصل ششم قانون اساسی نظام سیاسی جمهوری اسلامی را متکی بر رأی مردم می‌داند. همچنین حضرت امام(ره)، براساس نظریه سیاسی انقلابی، مردمی و کارآمد خود، با طرح اصل ضرورت تعیین سرنوشت هر ملت به دست خویش تصریح می‌نماید که: «هر ملتی باید سرنوشت خودش را خودش معین کند». به‌طور خلاصه در این نوشتار با استفاده از روش اسنادی به بررسی منابع و مبانی نظری و عملی اندیشه‌ی سیاسی امام(ره) در خصوص لزوم مشارکت سیاسی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و ساماندهی و اداره جامعه اسلامی با موضوعیت انتخابات (ترجیحات رأی‌دهی) پرداخته و پاسخگویی به این سؤال اصلی است که «مشارکت سیاسی مردم حق آنهاست یا تکلیف؟».

کلید واژه‌ها: مشارکت سیاسی، انتخابات، نظام‌های انتخاباتی، گستره انتخابات، امام خمینی(ره)

Email: ghanaifatemeh@yahoo.com

۱- دبیر آموزش و پرورش (نویسنده مسئول)

Email: ngheisari@ut.ac.ir

۲- استادیار دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۱۲

مقدمه

امام خمینی(ره) در باورها و رفتارهای خود به مردم اطمینان و اعتقاد واقعی داشتند. در مبارزه علیه رژیم شاهنشاهی، به مردم و ایمان آنان تکیه نمودند و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، درست زمانی که لیبرال‌ها و روشنفکران، می‌خواستند مردم را کنار بگذارند و میوه‌چینی کنند، امام خمینی(ره) مشارکت مردم را به‌عنوان اصلی بنیادین مطرح فرمودند و با وجود اینکه مردم عملاً و بارها فراندوم‌گونه رأی خود را به جمهوری اسلامی و رهبری و زعامت امام اعلام کرده بودند، امام از آنان خواست تا با شرکت در همه‌پرسی و دادن رأی خود، نسبت به نوع نظام جایگزین شاهنشاهی اظهارنظر کنند.

پس از آن نیز در انتخاب خبرگان رهبری، تصویب قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری و نمایندگان مجلس و هر جا که بایستی مردم اعلام عقیده کنند، امام صحنه را برای حضور و مشارکت مردم باز کرد و به رأی آنان اعتماد نمودند (شاخص‌های مکتب حضرت امام خمینی(ره) - مؤسسه فرهنگی هنری ولایت - ج ۲: ۱۶).

بر این اساس حضرت امام همواره پس از استقرار نظام جمهوری، حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش را مورد تأکید قرار داده و معتقد بودند: «... حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش از ضرورت‌های جمهوری اسلامی ایران است» (صحیفه امام، ج ۳: ۵۰۳).

بنابراین یکی از گسترده‌ترین میانی و اصول سیاسی حضرت امام(ره) مشارکت مردمی است. حضرت امام، پایه‌ریزی نظام جمهوری اسلامی را به دست توانای ملت متعهد دانسته‌اند که این نشان‌دهنده نقش و اهمیت مشارکت مردمی در تأسیس حکومت و سیاست مطلوب است. از نظر ایشان، مشروعیت احکام الهی و حقوق مردم، منافی یکدیگر نیستند و باهم قابل جمع‌اند. برخلاف سایر دیدگاه‌های رایج در الگوی دنیاگرا که مشارکت مردم را حق آنان دانسته، که در استیفا یا عدم استیفا این حق آزادند، در نظر امام، مردم علاوه بر دارا بودن حق مشارکت، طبق مبانی دینی، تکلیفی را نیز در این زمینه به گردن دارند که حتی در عداد دیگر تکالیف شرعی و واجبات است. حضرت امام در تشریح این موضوع، عباراتی چون «وظیفه شرعی»، «مکلف»، «لازم است» و «باید» بکار برده‌اند. و با تأکید بر رابطه تنگاتنگ دین و سیاست و لزوم تأثیر مسلمانان در عرصه‌ی سیاست و مشارکت آنان در عرصه‌های تأثیرگذار، حضور آنان را مهم می‌داند و مکرراً دورشدن مردم از صحنه سیاسی را برای کشور فاجعه بار و حفظ اسلام و مملکت توحیدی را یک تکلیف شرعی می‌دانند.

براساس همین اصل عقلی و شرعی، امام مردم را نیز به کسب این حق فطری خود فراخوانده می‌گویند: «لازم است ملت مبارز ایران هر چه زودتر سرنوشت آینده حکمت خویش را به‌دست گیرد و ثمره انقلاب عظیم اسلامی خود را در دهه روابط و نظامات اجتماعی به‌دست آورد و حقوق از دست رفته خود را باز یابد» (صحیفه امام، ج ۷: ۴۸۲).

همچنین در قانون جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از احکام اسلام است بر مسأله «مشارکت مردم» و سهم کردن آنان در اداره جامعه و صاحب حق بودن مردم، تأکید نموده‌اند. اصل ششم قانون

اساسی، نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران را متکی به رأی مردم دانسته و نوع حکومت، قانون اساسی، خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و در بعضی موارد، همه پرسشی از طریق مراجعه به آرای عمومی صورت می‌گیرد.

آنچه از ابتدا روشن است اینکه از دیدگاه امام خمینی(ره) مردم و حکومت اسلامی جدای از یکدیگر نیستند. امام(ره) از اراده و حضور مردم به عنوان عامل اساسی در مشروعیت مردمی حکومت یاد و بر این اساس هرگونه دیکتاتوری را برخلاف اسلام تلقی و رد می‌کنند. بدین جهت است که ایشان، در پاسخ، به دلیل مخالفت خود با سلطنت مشروطه و شاه، چنین بیان می‌دارند: «رأی ملت نقشی در روی کار آمدن شاه نداشته، بنابراین سلطنت وی از اساس غیرقانونی و از مشروعیت برخوردار نیست» (صحیفه امام، ج ۳: ۴۲).

به‌طور خلاصه هدف این نوشتار بررسی منابع و مبانی نظری و عملی اندیشه‌ی سیاسی امام(ره) در خصوص لزوم مشارکت سیاسی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و ساماندهی و اداره جامعه اسلامی با موضوعیت انتخابات (ترجیحات رأی دهی) و پاسخگویی به این سؤال اصلی است که «مشارکت سیاسی مردم حق آنهاست یا تکلیف؟» و در نهایت به این نتیجه می‌رسیم که ایشان به‌عنوان فیلسوفی عارف و اسلام‌شناس و مرجع بزرگ دینی با تکیه بر اندیشه سیاسی شیعه و مبانی فقهی و کلامی به اثبات لزوم تشکیل حکومت اسلامی پرداخته و در حکومت مورد نظر نقش عمده‌ایی برای مردم و آزادی مشارکت آنان در اداره امور کشور در نظر گرفته‌اند و آنچه که امروز در نظام‌های سیاسی دنیا تحت عنوان دموکراسی، آزادی و مشارکت مطرح می‌شوند در اندیشه‌ی سیاسی ایشان مورد توجه قرار گرفته و معتقدند همه‌ی اینها در حکومت اسلامی به صورت کامل وجود دارند.

ضرورت مشارکت مردم در مسائل سیاسی از دیدگاه اسلام

مفهوم مشارکت سیاسی

نویسندگان جامعه‌شناسی، مشارکت سیاسی را شرکت در گروه‌های سیاسی که به‌گزینه رهبران سیاسی می‌انجامد و سیاست عمومی را تعیین می‌کند یا بر آن اثر می‌گذارد، تعریف کرده‌اند (پویان، ۱۳۷۶). دایره‌المعارف علوم اجتماعی مشارکت سیاسی را عبارت از فعالیت‌های داوطلبانه‌ای دانسته که اعضای یک جامعه‌ای برای انتخاب حکام به‌گونه‌ای مستقیم و یا غیرمستقیم انجام داده و در شکل‌گیری سیاست‌های عمومی مؤثر است (شهبازی، ۱۳۸۰: ۱۳۲).

مشارکت سیاسی را می‌توان افزایش تقاضا برای سهیم‌شدن در قدرت و تصمیم‌گیری سیاسی از سوی مردم تعریف کرد که این امر به نهادهای کارکردی فرآیند سیاستگذاری بستگی دارد. هدف از مشارکت، فعال کردن گروه‌ها و افرادی است که سابقاً نسبت به مسائل خود بی‌اعتنا بوده و حالت انفعالی داشته‌اند (قوام، ۱۳۷۶: ۱۳۲).

به‌طور کلی مشارکت سیاسی عبارتست از دخالت و همکاری مردم و نهادهای مردمی در پیدایش و ایجاد مراکز قدرت، چگونگی اعمال قدرت، گزینش افرادی که اعمال‌کننده حاکمیت و قدرت‌اند، تعیین ضوابطی که قدرت در چارچوب آنها باید اعمال شود- یعنی حاکم بر اعمال قدرت‌اند- همراهی و فعال بودن مردم در نظارت بر حسن انجام این امور در تمام مراحل آن و همه شئون دیگر مربوط به قدرت. از این‌روست که در تعریف فرهنگ سیاسی و مشارکت گفته شده است: «در صورتی که در جامعه‌ای فرهنگ سیاسی مشارکتی وجود داشته باشد و افراد [آن جامعه] شناسایی متقابلی نسبت به نظام سیاسی و عضویت خود در آن داشته، گرایش فعال نسبت به ساخت‌های سیاسی اداری و روندهای تصمیم‌گیری و اجرایی دارا باشند، اعم از این که با نظام سازگار شوند یا آن را رد کنند، از نفوذ آن در زندگی خود آگاهند و سعی در نفوذ در خطمشی‌ها و تصمیمات دارند» (پالمر: ۱۰۱).

در نهایت عده‌ای نیز مشارکت سیاسی را نمایانگر وظیفه‌شناسی و وفاداری افراد به نظام سیاسی می‌دانند که مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی را افزایش می‌دهد (اطاعت، ۱۳۷۶: ۴۷).

اهمیت مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی را می‌توان به‌عنوان یک رفتار و هنجار اختیاری انسانی، همانند هر عمل اختیاری دیگر، معلول باورها و اندیشه‌های افراد جامعه دانست. به عبارت دیگر مشارکت سیاسی، ریشه در فرهنگ سیاسی مشارکتی جامعه دارد. میزان مشارکت و شدت و ضعف مردم در مشارکت سیاسی وابسته به میزان مقبولیت نظام‌های سیاسی است، هرچه مشارکت سیاسی مردم در یک نظام سیاسی بیشتر باشد، مقبولیت نظام بیشتر است. طبیعی است که مشارکت سیاسی مردم، مولود به رسمیت شناخته شدن چنین حقی برای آنان است و این امر در مطالعات مربوط به حقوق اساسی انسان و ملت‌ها بررسی می‌شود. قوانین اساسی، جلوه‌گاه حقوق اساسی یک ملت و از جمله حق او جهت مشارکت در زندگی سیاسی خویش است. بنابراین حقوق و قانون اساسی از یک سو همچون ابزاری در خدمت علوم سیاسی به هدف نهادینه کردن مشارکت سیاسی مردم عمل می‌کند و از سوی دیگر به منزله ساختاری است که رفتار سیاسی مردم و دولت را سامان داده، تحدید و تعریف می‌نماید و بر حسن اجرای آن نظارت می‌کند.

لذا کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای توسعه‌نیافته از نظر شاخص‌های توسعه و مشارکت با هم تفاوت‌های اساسی دارند، در کشورهای توسعه‌یافته میزان مشارکت سیاسی مردم بسیار پایین است. در حالی که در نظام‌های دموکراتیک و مدل حکومت‌های مردم‌سالارانه، به‌ویژه حکومت مردم‌سالاری دینی، اساس و بنیان شکل‌گیری حکومت براساس رأی و نظر مردم است. لذا مقوله مشارکت می‌تواند به حذف فاصله و شکاف میام حاکمیت و مردم بینجامد، چرا که مردم وقتی احساس کنند که بین آنان و حاکمیت فاصله‌ای نیست و حاکمیت را از آن خود تلقی کنند، آگاهانه و آزادانه و از روی اختیار و یا میل و اشتیاق، در توسعه‌ی ملی، مشارکت همگانی و فعال خواهند داشت. روشن است فعالیت‌هایی که از روی جبر، اجبار و اکراه صورت گیرند، هرگز در بلندمدت دوام نخواهند آورد (شاخص‌های مکتب حضرت امام خمینی(ره)، ج ۲: ۱۵۲).

عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی

دانشمندان علوم اجتماعی همواره کوشیده‌اند تئوری‌های کلی و جامعی را در مورد پدیده‌های اجتماعی ارائه دهند که بیشترین عوامل مرتبط با موضوع را تبیین نموده، تا از این رهگذر راه را برای پیشگیری پدیده‌ها و رویدادهای اجتماعی بگشایند. اما در بسیاری از موارد در حصول آن با دشواری‌هایی مواجه بودند که عمدتاً مدخلیت عواملی بی‌شمار در وقوع یک پدیده اجتماعی و منحصر به فرد بودن، عامل بسیاری از آنها است. مشارکت سیاسی نیز از این قاعده مستثنی نیست و دلایل فراوانی وجود دارد که هیچ تئوری کلی که همه متغیرهای مربوط به مشارکت را در بر داشته باشد مطرح نشده است. به نظر می‌رسد مشارکت پدیده پیچیده‌ای است که به تعداد بسیار زیادی متغیر وابسته می‌باشد و دست کم می‌توان گروهی از متغیرهای مستقل را که اصالتاً درونی هستند (روانشناختی و شناختی) و آنهایی که از محیط بیرونی اجتماعی و سیاسی فرد ناشی می‌شوند را در نظر گرفت. این سه دسته از متغیرها به شدت مرتبط و به هم آمیخته هستند. به گونه‌ای که هر تغییری در هر کدام از آنها مشارکت را افزایش یا کاهش می‌دهد و هر تحلیل و تبیینی که فقط مبتنی بر یکی از این متغیرها باشد گمراه‌کننده و ناقص است. بنابراین درجه موفقیت مشارکت بستگی به عوامل مختلفی دارد که باید فراهم باشند. برای شناخت امکان مشارکت فعال توجه و شناخت این عوامل ضروری به نظر می‌رسد (راش، ۱۳۷۷: ۱۳۴-۱۳۳).

مؤلفه‌های مشارکت سیاسی

در فرآیند مشارکت باید به چند نکته توجه داشت. اولاً تناسب بین اجزای نظام، یعنی بین قوای سه‌گانه و زیرمجموعه‌های نظام وجود داشته باشد، یعنی از لحاظ اهداف، رسالت، آرمان و نیز خط‌مشی فکری، جهان‌بینی و ایدئولوژی همسان و همگون باشند. اگر مجموعه عناصر و اجزای نظام از نظر اهداف و رسالت‌ها و خدمت به مردم ناهمگون باشند، عده‌ای به قصد خدمت به خلق خدا، گروهی با هدف چپاول و کسب سود و درآمد بیشتر و عده‌ای نیز با هدف نفوذ در بدنه نظام برای تضعیف آن به کار مشغول شوند، چنین نظامی به زودی از درون فرو خواهد ریخت و امکان توسعه و آبادانی کشور، دست کم در کوتاه مدت امکان‌پذیر نخواهد بود. نظام سیاسی‌ای مقتدر، کارآمد و باثبات است که عناصر درون نظام و اجزاء و بدنه‌ی قدرت از نوک هرم تا قاعده آن، همه و همه در خدمت نظام باشند. ثانیاً، هماهنگی میان اجزاء موجود باشد؛ چرا که اگر اجزا و قوا و نهادهای زیرمجموعه یک نظام ناهمسو، ناهماهنگ، ناکارآمد و بی‌ربط باشند، قطعاً نظام سیاسی را دچار بحران و اختلال شدید و ناکارآمد خواهد کرد. نظامی که مردم از حاکمیت فاصله دارند و آن را قبول ندارند، قوه‌ی مجریه دائم با قوه‌ی مقننه در نزاع سیاسی است و قوه‌ی مقننه با قوه‌ی قضائیه اختلاف شدید سلیقه دارد، لایه‌های زیرین نظام نیز از ناهماهنگی و ناهمسویی رنج می‌برند، چنین نظامی ناکارآمد است. اما در نظامی که مردم حاکمان را از خود می‌دانند، روابط صمیمانه با آنان دارند، اجزای نظام، قوای سه‌گانه و لایه‌های زیرین با همدلی، همسویی و هماهنگی به مردم خدمت می‌کنند، مردم نیز در فراخوان‌های عمومی همچون انتخابات، بازسازی شهرها و ... شرکت فعال داشته و با

بسیج عمومی به کمک حاکمیت و دولت خواهند شتافت و با همبستگی ملی و مشارکت عمومی به رفع معضلات و مشکلات جامعه خواهند پرداخت. چنین نظامی البته کارآمد و باثبات است.

ثالثاً دارای مدیریت کارآمد باشد؛ چرا که این امر می‌تواند علاوه بر هماهنگی و تناسب میان اجزای آن، از مدیریت کارآمد برخوردار باشد. وجود مدیران لایق، کارآمد و متعهد، پرتلاش و خدمتگزار موجب همسویی، هماهنگی و تناسب بیشتر بین اجزای نظام می‌شود. از جمله مهمترین پیامدهای مشارکت سیاسی مردم، می‌توان به کارآمدی نظام و تثبیت نظام سیاسی اشاره کرد.

در فرهنگ اسلامی مفهوم مشارکت مردم، همزاد حقوق و تکالیف آنان و در ارتباط مستحکمی با آزادی‌های آنان است. مراد از آزادی اراده در مفهوم حقوقی آن، این است که افراد نسبت به انجام یا ترک یک عمل ملزم نباشند و ضمانت اجرای دنیوی برای انجام یک فعل یا ترک آن پیش‌بینی نشده و وجود نداشته و در نظر گرفته نشده باشد (شاخص‌های مکتب امام خمینی (ره)، ج ۲: ۱۵۴).

لذا مردم‌سالاری در نظام اسلامی، سخن در میزان دخالت مردم در تعیین سرنوشت خویش و مقدار تأثیری است که تصمیمات مردم در ابعاد مختلف نظام سیاسی دارد. به عبارت دیگر، کلام در قلمرو آزادی اراده مردم مسلمان در تدبیر شؤون سیاسی زندگی ایشان است.

مشارکت سیاسی به مثابه حق یا تکلیف؟

در ادبیات حقوقی، حق و تکلیف در کنار هم به کار می‌رود. تکلیف چهره دیگر حق است و نه چیزی جدای از آن در حکومت دینی نه تنها مشارکت سیاسی یک تکلیف شرعی است بلکه تمام مسلمانان موظف به نظارت مستمر هستند و مسئله «النصیحه لائمہ المسلمین» یکی از وظایف مسلمانان شمرده شده است (کلینی، ۱۳۶۱: ۲۵۸). همان‌گونه که حاکم اسلامی با نصب از جانب خدا مشروعیت الهی و مکتبی پیدا می‌کند چون می‌خواهد بر مردم حکومت نماید، در این میان به مقبولیت مردمی نیز نیاز دارد. زیرا این مقبولیت مردمی به وسیله مشارکت مردم در جهت قبول رهبری حاکم اسلامی باعث تحقق عینی حکومت خواهد شد. خواه این مشارکت از طریق بیعت باشد یا هر طریق دیگری که حضور مردم را دربر داشته باشد (کواکبیان، ۱۳۷۰: ۷۰). در واقع مشارکت سیاسی از یک جهت حقی است که به شهروندان داده شده تا به موجب آن اداره و نیروی خود را جهت مشارکت در حاکمیت به‌کارگیرند و از طرف دیگر، شهروندان مسلمان مکلف به برپایی حکومت دینی و نظارت مستمر بر اعمال حاکمان هستند. به عبارت دیگر از یک طرف اگر حق هر مسلمانی است که در تعیین سرنوشت خود دخالت داشته باشند، از طرف دیگر برای او تکلیف‌آور است از حکومت دینی و برقراری قسط و عدل دفاع نماید. امام خمینی(ره) در برخی از موارد به توأمان بودن حق و تکلیف مردم تصریح کرده اند، از جمله درباره «تعیین سرنوشت» برای مردم چنین فرموده‌اند: «این ملت -هرملتی- حق دارد خودش تعیین کند سرنوشت خودش را. این از حقوق بشر است که در اعلامیه حقوق بشر هم هست «ممکن است در این گفتار از کلمه‌ی «باید» تکلیف به دست نیاید. اما در جمله دیگر ایشان این مطلب به صراحت آمده است: «باید همه شما، همه ما زن و مرد، همان‌طور که باید نماز بخواند، همان‌طور باید سرنوشت خودش را تعیین کند» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۲۸). در فرازی

دیگر درباره دخالت در سیاست فرموده‌اند: «حرف ما اینست که نه روحانی تنها، همه قشرها باید در سیاست دخالت بکنند. سیاست یک ارثی نیست که مال دولت باشد یا مال مجلس باشد یا مال افراد خاصی باشد، سیاست معنایش همین وضع آن چیزهایی (است) که در یک کشوری می‌گذرد از حیث اداره آن کشور، همه اهالی این کشور در این معنا حق دارند. خانم‌ها حق دارند در سیاست دخالت بکنند تکلیفشان است، روحانیون هم حق دارند در سیاست دخالت بکنند، تکلیف آنهاست» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۱۵). در این سخن دخالت در سیاست حق و تکلیف توأمان دانسته شده است. نتیجه آنچه گذشت، این است که از دیدگاه حضرت امام(ره) مشارکت در عرصه انتخابات و رأی‌دهی فراتر از یک حق حقوقی و قانونی محض که در دموکراسی‌های غربی به آن تکیه می‌شود تلقی می‌گردد. در نگاه دینی، این کنش سیاسی و اجتماعی علاوه بر آنکه حق قانونی افراد است، به‌عنوان یک عمل عبادی و فریضه‌ای الهی به‌شمار می‌رود که در نتیجه نیاز به صدق‌قربت دارد. به عبارت دیگر شرکت و حضور در انتخابات برای مردم، هم یک فریضه سیاسی است و هم یک فریضه دینی. و این مهمترین مسأله در باب انتخابات است، یعنی حضور مردم.

مردم‌سالاری در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی(ره) و حقوق مردم

مردم‌سالاری در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی(ره) جایگاه ویژه‌ای دارد و اصولاً مردم‌سالاری از دیدگاه ایشان گاهی با عنوان دموکراسی هم آمده است. نکته‌ای که در این جا لازم است به آن پرداخته شود، فرق بین مردم‌سالاری دینی با مردم‌سالاری مادی (دموکراسی) است.

ایشان به پیروی از منابع اسلامی توجه می‌دهند که دو محور اصلی در اسلام مردم‌سالاری را از مردم‌سالاری برخاسته از اندیشه‌های متفکران غربی جدا می‌کند: اول، شرایط کسی که برای ریاست حکومت برگزیده می‌شود و دوم، قوانینی که در جامعه جاری است. که حضرت امام (ره) مخصوصاً بر محور دوم تأکید فراوان می‌کنند. وقتی از ایشان پرسیده می‌شود: «حضرتعالی می‌فرمایید که بایستی در ایران جمهوری اسلامی استقرار پیدا کند و این برای ما فرانسوی‌ها چندان مفهوم نیست آیا جمهوری شما بر پایه سوسیالیسم است؟ مشروطیت است؟ بر انتخاباتی استوار است؟ دموکراتیک است؟ چگونه است؟» در پاسخ می‌فرمایند: «اما جمهوری به همان معنایی است همه جا جمهوری است لکن این جمهوری بر یک قانون اساسی ای متکی است که قانون اسلام است. اینکه ما جمهوری اسلامی می‌گوییم برای این است که هم شرایط منتخب و هم احکامی که در ایران جاری می‌شود اینها بر اسلام متکی است لکن انتخاب با ملت است و طرز جمهوری هم همان جمهوری است که همه جا هست» (صحیفه امام، ج ۴: ۴۷۹).

شرایط منتخب هم همان شرایط کسی است که برای ریاست جمهوری حکومت توسط مردم انتخاب می‌شود. البته این سخن می‌تواند شامل شرایط کسانی هم که در نظام اسلامی به نحوی انتخاب می‌شوند - مانند نمایندگان مجلس شورای اسلامی - بشود. همچنین در مناسبتی دیگر خطاب به اعضای شورای

نگهبان چنین فرموده‌اند: «شما باید ناظر بر قوانین مجلس باشید و باید بدانید که به هیچ وجه ملاحظه نکنید. باید قوانین را بررسی نمایید که صدرصد اسلامی باشد. به هیچ وجه گوش به حرف عده‌ای که می‌خواهند یک دسته کوچک مردم ما خوششان بیاید و به اصطلاح مترقی هستند، [ندهید]. قاطعانه با این‌گونه افکار مبارزه کنید. خدا را در نظر بگیرید. اصولاً آنچه که باید در نظر گرفته شود خداست، نه مردم، اگر صد میلیون آدم، اگر تمام مردم دنیا یک طرف بودند و شما دیدید که همه آنان حرفی می‌زنند که بر خلاف حکم قرآن است بایستید و حرف خدا را بنزید ولو اینکه تمام بر شما بشورند» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۵۳) و بر همین اساس است که فرموده‌اند: «... اساساً فراندوم یا تصویب ملی در قبال اسلام ارزشی ندارد ...» (صحیفه امام، ج ۱: ۱۳۵) عبارت «در قبال اسلام باتوجه به همین نکته است. اسلام عبارتست از مجموعه‌ای از معارف و قوانین که در اینجا البته قوانین آن مدنظر است. اما با رعایت دو امتیاز فوق می‌توان همه اصول یاد شده به‌عنوان پایه‌های مردم‌سالاری را از سخنان ایشان به دست آورد (صرامی، ۱۳۸۵: ۱۲۱).

۱- تأکید بر شمول اسلام نسبت به دموکراسی و کامل‌تر بودن دموکراسی اسلام از دموکراسی‌های غربی: «حکومت اسلامی یعنی یک حکومت مبتنی بر عدل و دموکراسی و متکی بر قواعد و قوانین اسلام» (صحیفه امام، ج ۱: ۱۳۵).

۲- تأکید بر مراجعه به آرای عمومی که می‌تواند دو اصل مشارکت عمومی و حکومت اکثریت را نشان دهد. البته این دو اصل یاد شده، با پذیرش ولایت فقیه بر مبنای نصب که مبنای مسلم امام (ره) است معنای خاص خود را دارد (صحیفه امام، ج ۶: ۴۶۳).

در این‌باره سخنان فراوانی از ایشان نقل شده است که نمونه‌های از آن در پی می‌آید: «ما یک جمهوری اسلامی تشکیل می‌دهیم که خود حکومت و تعیین حکومت به آرای ملت متکی است» (همان، ج ۵: ۳۴۶ و ج ۴: ۲۴۸) و یا: «با طرحی که تدارک دیده‌ایم تلاش می‌کنیم که عموم ملت از همه طبقات آگاهانه و آزادانه نمایندگان خود را انتخاب کنند و سپس نمایندگان دولت را و مسئولین هر مقامی را انتخاب می‌کنند» (همان، ج ۴: ۳۶۲).

و با تأکید بیشتر، تداوم حکومت را هم مانند تأسیس آن متکی به آرای عمومی می‌دانند: «حکومت اسلامی ... حکومت ملی است، حکومت مستند به قانون الهی و به آرای ملت هست این طور نیست که با قلدری آمده باشد که بخواهد حفظ کند خودش را، با آرای ملت می‌آید و ملت او را حفظ می‌کنند و هر روزی هم که بر خلاف آرای ملت عمل بکنند یا برخلاف قانون - قانونی که مدّون است - عمل بکنند قهراً ساقط است و ... ملت ایران هم او را کنارش می‌گذارند» (همان، ج ۵: ۲۱۴، ۲۱۳) و باز: یک ملتی اگر یک چیزی را خواست نمی‌شود تحمیلش کرد. می‌شود تحمیل به گروهی، یک جزئی، نمی‌دانم یک چیزهایی کرد، اما به یک ملت نمی‌شود یک چیزی تحمیل کرد» (همان، ج ۱۸: ۱۴۱).

و در سخنی دیگر به‌طور خاص رأی «اکثریت مردم» را تضمین‌کننده جمهوری اسلامی دانسته‌اند. در پاسخ به اینکه چه نوع حکومتی را جانشین رژیم شاه خواهید کرد؟ فرمودند: «یک حکومت

جمهوری اسلامی. اما جمهوری است برای اینکه به آرای اکثریت مردم متکی است و اما اسلامی برای اینکه قانون اساسی‌اش عبارت است از قانون اسلام» (همان جلد ۵: ۱۷۰).

۳- مشارکت مردمی را فقط در اصل تشکیل و تعیین حکومت و حاکم منحصر نمی‌دانند، بلکه در روند تصمیم‌گیری‌های حکومتی نیز بر نقش مردم این چنین تأکید می‌کنند. در مقام بیان ضوابط حکومت اسلامی می‌فرمایند: «اولاً متکی به آرای ملت باشد به‌گونه‌ای که تمامی آحاد ملت در انتخاب فرد یا افرادی که باید مسئولیت و زمام امور را در دست بگیرند شرکت داشته باشند ... در این حکومت به‌طور قطع باید زمانداران امور دائماً با نمایندگان ملت در تصمیم‌گیری‌ها مشورت کنند و اگر نمایندگان موافقت نکنند نمی‌توانند به تنهایی تصمیم‌گیرنده باشند» (همان جلد ۵: ۴۳۶).

لذا، نکته‌ای که در نهایت لازم است به آن پرداخته شود این است که در مردم‌سالاری دینی اگر چه مانند مردم‌سالاری مادی مردم رأی می‌دهند و در انتخابات شرکت می‌کنند ولی آن روحی که مبانی را ایجاد می‌کند، سبب می‌شود که مردم‌سالاری دینی معنایی کاملاً متفاوت با مدل‌های دیگر مردم‌سالاری داشته باشیم. مبانی مردم‌سالاری دینی عبارتست از خدامحوری، توسعه هستی از عالم ماده به عالم ملکوت و پیوند دین با نیازهای اجتماعی و به‌عبارت دیگر، اگر مدل مردم‌سالاری مادی بیانگر یک رابطه‌ی عرضی بین انسان‌هاست، یعنی شرکت در انتخابات در واقع یک حق است و می‌شود که کسی این حق را ادا کند و ادا نکند. ولی در مردم‌سالاری دینی هم این رابطه‌ی عرضی بین انسان‌ها وجود دارد و هم رابطه‌ی طولی، رابطه‌ی عرضی یعنی مردم حق دارند که حاکم خود را انتخاب کنند. رابطه‌ی طولی نیز رابطه‌ی با خداست. مردم مکلف هستند که مشارکت سیاسی داشته باشند و در تعیین و تحقق احکام و اهداف اسلامی نقش ایفا کنند، چون شرعاً مکلف‌اند و این تکلیف است که رابطه‌ی بین انسان‌ها را تعیین می‌کند. پس برخلاف مردم‌سالاری مادی دیگر اینجا مردم نمی‌توانند نسبت به انتخابات بی‌تفاوت باشند چرا که در این زمینه می‌بایست به خدا پاسخگو باشند (شاخص‌های مکتب حضرت امام(ره)، مؤسسه فرهنگی، هنری قدر ولایت، ج ۲: ۱۵۵).

انتخابات مظهر مشارکت سیاسی

بارزترین مشارکت‌ها در نظام اسلامی، انتخابات است. مطابق اصل ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکا آرای عمومی اداره شوند، از راه انتخابات، انتخابات رییس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر این‌ها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد»

از این رو انتخابات، چگونگی و فرآیند برگزاری و نتایج آن به‌عنوان راهکار تحقق و شاخص «اداره امور کشور با اتکای به آرای عمومی» و اقتضانات آن در راستای تحکیم مبانی و ساختار مردم‌سالاری دینی اهمیت ویژه‌ای دارد. در نظام جمهوری اسلامی با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط نظام استبدادی، زمینه

مساعدی برای آزادی عمومی و مشارکت سیاسی بسیار گسترده شهروندان، احزاب و گروه‌ها در جهت تعیین سرنوشت سیاسی از طریق انتخابات پدید آمد» (دارابی، ۱۳۸۸: ۱۷۰).

لذا لازم است افراد فعالانه در انتخابات شرکت نموده و با دقت، وسواس و با مشارکت فعال و فراگیر با انتخابات مدیران کارآمد، در کارآمدی و تثبیت بیشتر نظام سیاسی خویش نقش آفرینی نمایند. از این رو است که مسئولان وظیفه دارند تا با استفاده از حضور گسترده ملت در این آزمون ملی، تلاش مضاعف برای افزایش کارآمدی نظام در سطح بین‌المللی و داخلی، القای روحیه‌ی تعاون و همکاری و اعتلای نظام و حداکثر بهره‌وری از نهادها، سازمان‌ها و زیرمجموعه‌های خویش، هماهنگ‌سازی اجزای نظام، آسیب‌شناسی مستمر و رفع کاستی‌ها و مشکلات موجود و بکارگیری نیروهای متعهد و متخصص به عمل آید، تا زمینه‌ساز کارایی، کارآمدی، تثبیت، اعتبار و اقتدار نظام سیاسی در عرصه‌های بین‌المللی باشند.

تعریف انتخابات

انتخابات مجموعه عملیاتی است در راستای گزینش فرمانروایان و نیز ابزاری است که به کمک آن اراده‌ی شهروندان در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان عامل اقتدار سیاسی اتخاذ خواهد شد (ابوالحمد، ۱۳۶۸، ج اول: ۳۴۴).

عده‌ای آن را علاوه بر مورد فوق عملیاتی برای مهار قدرت می‌دانند (ایوبی، ۱۳۷۹: ۵). پولان نراس می‌خواهد مشارکت فعال و مستقیم مردم در تصمیمات سیاسی را جانشین نقش دولت کند؛ اما به علت عملی نبودن این امر، براین باور است که دولت باید از راه انتخابات عمومی و آزادی نامحدود مطبوعات و افکار کنترل شود (هرسیچ، ۱۳۸۰: ۴۸).

برخی از حقوقدانان اساسی انتخابات را مجموعه عملیاتی که در جهت گزینش فرمانروایان یا تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت تدبیر شده و به مثابه «فنون گزینش نمایندگان به‌عنوان ابزاری برای اعمال اراده شهروندان در اداره کشور» تعریف کرده‌اند (قاضی، ۱۳۸۳: ۵۷۷).

جایگاه انتخابات در آموزه‌های دینی

اندیشمندان دینی آموزه‌های چندی را مبنای فقهی انتخابات دانسته‌اند.

۱. **شورا:** ماهیت حکومت اسلامی بر پایه مشارکت مردم و مشورت با آنان است. در آموزه‌های دینی تأکید فراوانی بر مشورت فرمانروایان با مردم و پرهیز از دیکتاتوری و استبداد شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «و امرهم شوری بینهم» (شوری: ۳۸).

آیت‌الله معرفت در تفسیر آیه می‌نویسد: «مقصود از» امر «شئون سیاسی و اداری کشور و امت است؛ زیرا در امور شخصی، مشاورت با عامه مردم مفهومی ندارد و در امر نبوت نیز پیامبر تنها با وحی در ارتباط است و جایی برای مشورت در امور مربوط به پیامبری نیست. در نتیجه، تمامی مسئولان امر و دست‌اندرکاران سیاسی و اداری در نظام اسلامی شرعاً موظفند تا در تمامی شئون سیاسی-اداری، در کنار

مردم باشند و آنان را کاملاً در جریان بگذارند و همواره رأی اعتماد مردم را پشتوانه اقدامات خود قرار دهند» (محمدهادی معرفت، ولایت فقیه: ۹۵).

شیوه مشورت با مردم در امور سیاسی و اجتماعی می‌تواند متناسب با شرایط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور متفاوت باشد. انتخابات یکی از شیوه‌های مرسوم در دنیای کنونی برای انتخاب و گزینش فرمانروایان است. بنابراین، انتخابات را می‌توان گونه‌ای از مشورت با مردم و کسب نظر از آنان به‌شمار آورد و شورا را یکی از مبانی فقهی آن دانست.

۲. بیعت: اندیشمندان مسلمان درباره ماهیت حقوقی بیعت، آراء و دیدگاه‌های گوناگون ابراز کرده‌اند. این امر بیشتر ناشی از دیدگاه‌های کلی آنان در مورد اهمیت مشارکت مردم در نظام سیاسی است. گروهی که مشروعیت حکومت اسلامی را در دوران غیبت ناشی از اراده مردم در چارچوب شرعی می‌دانند، معتقدند که بیعت، نقش مشروعیت‌دهی دارد و انتخابات، نوعی بیعت است که با گذشت زمان پیچیده شده است، ولی در اساس و ماهیت، تفاوت بنیادی با آن ندارد. برخی که نقش مردم را تنها در کارآمدی نظام می‌دانند، در مورد حقیقت بیعت نیز قائل به اعلان اطاعت و رضایت‌اند و انتخابات را پدیده‌ای متفاوت با آن می‌دانند. گروه دیگر که به نقش اثباتی و فضیلت بخشیدن نقش مردم باور دارند نیز تفاوت جدی میان آنان نمی‌بینند. بنابراین، متفکران دینی هر چند که همانند ماهیت انتخابات، در مورد ماهیت بیعت نیز دچار تفاوت آراء هستند، همگی بر نقش مشارکت مردم در نظام اسلامی تأکید دارند. انتخابات نیز جدا از ماهیت حقوقی آن، ابزار مشارکت قانونی است. بنابراین، دامنه مفهوم بیعت شامل آن نیز می‌شود و براساس این اصل، مورد تأیید آموزه‌های دینی است.

۳. آزادی سیاسی: مفهوم آزادی در آموزه‌های دینی، جایگاه ویژه و ممتازی دارد. ماهیت اصلی پیام و رسالت ادیان الهی، مبارزه با طاغوت و آزادی انسان از زنجیرهای درونی و بیرونی است. به عقیده آیت الله مصباح: «از دیدگاه اسلامی، اصل بر این است که آدمیان در زندگی خود آزاد باشند و هر چه می‌کنند بر پایه گزینش‌های آزادانه خودشان باشد ... استکمال انسانی هم جز با افعال اختیاری و خود خواسته صورت پذیرد...»

اگر تصمیمات قانونی چنان باشد که عملاً جز یک راه در پیش پای انسان نماند و شخص جز گام زدن در مسیر واحد ولو مسیر کاملاً صحیح چاره‌ای نداشته باشد، حرکت تحمیلی و جبری و بنابراین، غیر استکمالی خواهد بود» (مصباح، حقوق و سیاست در قرآن).

مشارکت آزادانه مردم در انتخاب‌شدن و انتخاب کردن، از نمودهای برجسته آزادی مردم در سیاست و حکومت است و گروه وسیعی از آزادی‌ها را دربر می‌گیرد، انتخابات، یکی از ابزارها و وسایل مشارکت قانونی مردم و تأثیر عملی در سیاست و حکومت است. بنابراین، آزادی سیاسی از مفاهیم دینی دیگری است که می‌تواند مبنای فقهی انتخابات باشد.

۴. برابری: ماهیت اساسی آموزه‌های دینی، گسترش عدالت و برابری و مبارزه با اشکال گوناگون تبعیض است. اهمیت این اصل، به اندازه‌ای است که خداوند، رسالت اصلی پیامبر صلی الله علیه و آله را

گسترش عدل و قسط می‌داند و می‌فرماید: «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ تا مردم به انصاف برخیزند» (حدید: ۲۵).

و در آیه دیگر، با صراحت تمام، برابری افراد بشر را از هر قوم و نژاد و جنس... اعلام می‌فرماید:
إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ. (حجرات: ۱۳)
من (خداوند) شما را مرد و زن خلق کردم و شعبه و قبیله را وسیله آشنایی شما قرار دادم و گرامی‌ترین شما نزد خداوند متقین شما هستند.

علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«الْأَنَسُ إِمَّا أَحُ لَكَ فِي الدِّينِ أَوْ شَبِيهَهُ لَكَ فِي الْخَلْقِ؛ مردم یا برادر دینی شما هستند و یا مثل شما انسان هستند».

انتخابات، تجلی عینی اراده و مشارکت مردم و برابری حقوقی اعضای یک جامعه است. در انتخابات، با حاکمیت اصل «هر فرد، یک رأی» بدون هیچ‌گونه تبعیض، مردم از هر قوم و نژاد و مذهب و با هر مقدار پول، ثروت و ... در پای صندوق‌های رأی حاضر می‌شوند و اراده خود را اظهار می‌کنند. بنابراین، انتخابات تا حدود زیادی بازتاب برابری حقوقی مردم و مورد تأیید، آموزه‌های دینی است.

۵. سیره عقلا: انتخابات شیوه عقلانی مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی است و عمق و دامنه مردم‌سالاری در یک کشور پیوندی عمیق با کمیت و کیفیت برگزاری انتخابات دارد. انتخابات آزاد و رقابتی، گویای آن است که جامعه پیام مردم‌سالاری را درک کرده و به اصول آن پایبند است، ولی برگزاری نمایشی آن نشانه نشناختن آن و پای‌بند نبودن به آن است. همین ویژگی باعث شده است که انتخابات در جوامع مختلف با فرهنگ‌های متفاوت مقبولیت عمومی بیابد و آن را اصلی عقلانی بدانند و از آن استفاده کنند.

در آموزه‌های دینی نیز شارع مقدس رویه‌های عقلانی را تأیید کرده است. دستورها و اوامر شرع نیز براساس مصالح و مفاسد است و بنابراین، اموری که سیره عقلانی مصالح‌شان را تأیید کند، بعید است که با مخالفت شارع مقدس روبه‌رو شوند.

به عقیده یکی از اندیشمندان مسلمان: «اگر عقلا براساس مصالح حکم به حسن یک امر نمایند، عدم نهی و زجر شارع را کشف می‌کنیم، چندان مخالفی وجود ندارد» (سجادی، ۱۳۸۲: ۱۸۳).
بنابراین، انتخابات پدیده عقلانی است که آموزه‌های دینی آن را تأیید می‌کنند و یا دست‌کم تبیینی با آن ندارند.

۶. شایسته‌سالاری: حاکمیت افراد شایسته و کارآمد، از نمادهای برجسته سلامت و پاکی نظام سیاسی است؛ زیرا بیانگر این است که از نفوذ افراد فرصت‌طلب و سودجو جلوگیری شده است و نظام براساس قانون و ضوابطی که حاکمیت تعیین کرده است، وظایف خود را انجام می‌دهد. تأمین سلامت و پاکی جامعه اسلامی و مبارزه با فساد، در اشکال مختلف آن، از اهداف بنیادی آموزه‌های دینی است و در متون دینی تأکید زیادی بر حاکمیت شایستگان بر نظام اسلامی شده است.

قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا (نساء: ۵).

اموالتان را که خداوند مایه قوام‌تان قرار داده است، به دست سفیهان ندهید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مَنْ تَقَدَّمَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَهُوَ يَرَى أَنَّ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ، فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْمُسْلِمِينَ (امینی،

الغدیر، ۱۴۱۶ هـ، ج ۸: ۲۹۱).

کسی که - در هر کاری - خود را بر دیگران مقدم دارد؛ در حالی که می‌داند شایسته‌تر از او در میان آنان است. هر آینه به خداوند و پیامبر و مسلمانان خیانت کرده است.

انتخابات، یکی از شیوه‌های تحقق شایسته‌سالاری است؛ زیرا افراد با شرکت در یک رقابت آزاد، توانایی‌های خود را به نمایش می‌گذارند و مردم با شناخت نسبی از توانمندی‌های افراد، کارآمدترین آنان را بر می‌گزینند. تبلیغات انتخاباتی ممکن است با بزرگ‌نمایی و یا کوچک‌نمایی مانع از شناخت واقعی مردم شود، ولی این امر، مطلق نیست و مدیران کارآمد نیز بدون پشتوانه تبلیغاتی نیستند. بنابراین، انتخابات روزنه‌ای است به سوی شایسته‌سالاری و ارزش‌های دینی آن را تأیید و بر آن تأکید می‌کنند.

رقابت‌های انتخاباتی در حکومت اسلامی در چارچوبی ضابطه‌مند اجرا می‌شود و رقابت‌کنندگان موظفند معیارها و موازینی را رعایت کنند که تضمین‌کننده ارزش‌های دینی، حقوق مردم، رقابت‌کنندگان و مصلحت جامعه است. به نظر می‌رسد که رعایت اصول زیر، برای تحقق این اهداف ضروری است:

۱. قانون‌مداری: در فرهنگ دینی، رعایت حقوق افراد و گروه‌ها و ارزش‌های دینی اهمیت ویژه‌ای دارد و از تجاوز به آن به شدت نهی شده است. تأمین این مهم، در رقابت‌های انتخاباتی، نیازمند اصول و معیارهای روشن رقابت و اهتمام نامزدهای انتخاباتی به آن است و سزاوار نیست که داوطلبان حکومت اسلامی با قانون‌شکنی به حکومت دست یابند. بنابراین، رعایت قانون و قانون‌مداری از موازین بنیادی انتخابات در حکومت اسلامی است.

علی علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّهُ لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ إِلَّا مَا حُمِلَ مِنْ أَمْرِ بَيْتِهِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۴).

بر امام چیزی جز پیروی از دستور پروردگار نیست.

و در جای دیگر می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَامٌ عَلَيْهِمْ وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۲).

ای مردم سزاوارترین مردم به امر حکومت، داناترین شما به دستورهای خداوند است.

۲. رعایت مصالح نظام: رقابت انتخاباتی، وسیله مشارکت مردم، شایسته‌سالاری و گسترش ظرفیت نظام است. رقابت‌کنندگان با قبول مشروعیت حکومت، برای دستیابی به قدرت تلاش می‌کنند. بنابراین، فعالیت آنان نباید مغایر با مصالح عمومی جامعه باشد، بلکه وظیفه دارند که با رعایت مصلحت مردم و نظام اسلامی با هم رقابت کنند و از تضعیف نظام و جامعه اسلامی بپرهیزند؛ زیرا اهمیت مصلحت

حکومت اسلامی، فراتر از هر امر دیگری است و به اعتقاد عده‌ای، یکی از منابع اجتهاد است. یکی از اندیشمندان مسلمان در این زمینه می‌نویسد: «تمامی طرق اجتهاد، در مواقعی که مسئله‌ای پیش آید، ولی نص صریحی وجود نداشته باشد، مصلحت فقهی می‌شود ... این طرق مختلف تماماً به نظریه مصلحت برمی‌گردند و مبتنی بر همان بنیانی هستند که مصلحت بر پایه آن گذارده شده است» (هشام احمد عوض جعفر، ش ۹: ۹۶).

۳. رعایت حقوق دیگران: روابط اجتماعی در اسلام، بر مبنای نزاکت، اخلاق و احترام به حقوق دیگران است. ایمان دینی ایجاب می‌کند که افراد و گروه‌ها مناسبات خود را در چارچوب حقوق متقابل تنظیم کنند و به حقوق دیگران تجاوز نکنند. رقابت در انتخابات که برای کسب جایگاه زمامداری در جامعه اسلامی است، مهم‌ترین عرصه تبلور اخلاق و نزاکت دینی است و شایسته نخواهد بود که مدعیان حکومت اسلامی با تجاوز به حقوق دیگران بر اریکه قدرت تکیه زنند.

علی علیه السلام می‌فرماید:

فانهم صنفان اما اُخُّ لک فی الدین و اِما نَظیرُ لک فی الخلق (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

مردم یا برادران دین تواند و یا همتای انسانی. در هر صورت، باید حقوق آنان رعایت شود.

به عقیده علامه جعفری: «با مطالعات همه‌جانبه در وضع مغزی و روانی انسان‌ها به این نتیجه می‌رسیم که اگر کسی پی به اهمیت کرامت و شرف انسانی ببرد و خود از این سرمایه با عظمت انسانی برخوردار باشد، محال است که کس دیگر اهانت و کرامت و شرف او را جریحه‌دار کند. بنابراین، اگر اشخاصی در هر خانواده و هر جامعه و گروهی پیدا شوند که حق (یا به اصطلاح صحیح‌تر حکم) کرامت انسانی را مراعات نکنند، یقین است که خود آن اشخاص از کرامت و شرف بی‌بهره هستند» (حکمت اصول سیاسی اسلام، ص ۳۶۱).

۴. وفاق ملی: رقابت در عرصه‌های مختلف جامعه موجب تحرک، بالندگی و پویایی است. در عرصه سیاست نیز این امر، از انحصار و تک‌گرایی جلوگیری می‌کند و باعث بهبود سیاست‌ها می‌شود، ولی در صورتی که رقابت، وسیله‌ای برای کشمکش‌های داخلی نشود. در آموزه‌های دینی به شدت، از تفرقه و نفاق در پیکره جامعه اسلامی نهی شده و بر اتحاد و یگانگی توصیه فراوان شده است.

قرآن کریم می‌فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (آل عمران: ۳).

به ریسمان خداوند چنگ زیند و از تفرقه پرهیز کنید.

بنابراین، رعایت وحدت ملی و برادری اسلامی از وظایف رقابت‌کنندگان است و دامن زدن به درگیری‌های داخلی، جواز شرعی ندارد.

۵. اسراف نکردن: در دنیای سرمایه‌داری رقابت‌های انتخاباتی همراه با هزینه‌های کلان مالی است که سرمایه‌داران برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی تأمین می‌کنند، ولی در حکومت اسلامی تبلیغات

انتخاباتی تا زمانی مشروعیت دارد که به اسراف نینجامد. رسیدن به اسراف و مصرف بی‌رویه تبلیغاتی، مغایر با ارزش‌های دینی است و متون دینی آن را نهی کرده‌اند.

قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (شعراء: ۱۵۱ - ۱۵۲).

اطاعت از امر اسراف‌کنندگان که فاسدند نکنید. آنان اصلاح نمی‌شوند.

و در سوره اعراف می‌فرماید:

وَكُلُّوا وَأَشْرِبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (اعراف: ۳۱).

بخورید و بیاشامید (اما) اسراف نکنید (زیرا) خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد.

مقبولیت انتخابات در نظام سیاسی، گویای روابط دوجانبه و حقوق متقابل مردم و حکومت است. در نظام‌های مردم‌سالار، مردم با حضور در پای صندوق‌های رأی، اراده خود را اظهار می‌کنند و حکومت دلخواه خود را تشکیل می‌دهند.

حاکمان که موجودیت حکومتشان، مدیون آرای مردم است، برای تداوم آن نیز ناگزیر از جلب افکار عمومی و رضایت حکومت‌شوندگان‌اند. بدین ترتیب، روابط دوجانبه میان مردم و حکومت به‌وجود می‌آید که مانع دیکتاتوری می‌شود و نقش تعیین‌کننده در ثبات و پویایی نظام سیاسی خواهد داشت.

در آموزه‌های دینی، تأکید ویژه‌ای بر مشارکت مردم و اهتمام به آرای عمومی شده و حکومت اسلامی برپایه قانون و مشورت با مردم است. انتخابات، شیوه و ابزار مشارکت قانونی است و می‌تواند نقش ارزنده‌ای در تحقق آرمان‌های اسلامی داشته باشد و اقتدار و پویایی حکومت اسلامی را گسترش دهد. بنابراین، انتخابات جایگاه ویژه‌ای در حکومت اسلامی دارد و ابزار مناسبی برای پویایی و بالندگی آن است. برگزاری آن در جوامع دینی، متناسب با اهداف اساسی آن، شرایط و ویژگی‌هایی دارد که انتخابات در نظام ارزشی را از حکومت‌های لیبرال - دموکراسی متمایز می‌کند.

نظام‌های انتخاباتی

امروز بخش عمده‌ای از مردم جهان در کشورهای مختلف در انتخابات رقابتی شرکت می‌کنند و رأی می‌دهند. اگر چه همه انتخابات‌هایی که برگزار می‌شوند آزاد و عادلانه نیستند و صرف برگزاری انتخابات به خودی خود به معنای مردم‌سالار بودن نظام سیاسی یک کشور نیست، اما امروزه غیردموکراتیک‌ترین حکومت‌ها نیز دریافته‌اند که برای کسب مشروعیت سیاسی به برگزاری انتخابات هر چند ظاهری نیازمندند. برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه، رکن اولیه مردم‌سالاری است و هیچ حکومتی بدون برگزاری انتخابات آزاد نمی‌تواند ادعای مردم‌سالار بودن داشته باشد. در این میان، طراحی یک نظام انتخاباتی به دلیل تأثیر آن در آرایش نیروهای سیاسی در هر کشور، یکی از مهم‌ترین تصمیمات نهادین برای یک نظام مردم‌سالار تلقی می‌شود. طراحی یک نظام انتخاباتی خاص، دارای تأثیر عمیق و گسترده‌ای بر روی

حیات سیاسی یک کشور خواهد بود و زمانی که این کار انجام پذیرد این نظام‌ها معمولاً به شکل دائمی در می‌آیند و تغییر دادن آنها بسیار مشکل است.

با گسترش نظریه حاکمیت ملی و دموکراسی غیرمستقیم، حرکت جهانی به سوی ایجاد حکومت‌های مردم‌سالار در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی منجر به تمایل فزاینده‌ای برای طراحی نظام‌های انتخاباتی مناسب گردید و در این حالت، چنین اندیشیده می‌شد که یک نظام انتخاباتی می‌تواند مزایای فراوانی از جمله گسترش احزاب و گروه‌های ملی قدرتمند و قابل اعتماد داشته باشد و خصوصاً به مهندسی جوامعی که دارای خطوط گسلی اقلیتی یا قومی هستند کمک کند. لذا امروزه چگونگی نظام انتخاباتی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین مسائل پیش روی یک نظام سیاسی تلقی می‌گردد که در ابعاد وسیع‌تر، شیوه‌های حکمرانی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بالطبع هر کشوری به فراخور خواسته‌ها و نیازهایی که دارد و متناسب با فرهنگ و مدل اقتصادی که از آن بهره می‌جوید، نظام انتخاباتی خویش را طراحی کرده و به اجرا در می‌آورد. در اغلب موارد، طراحان قوانین اساسی و انتخاباتی، طرحی را انتخاب می‌کنند که آن را بهتر می‌شناسند و با آن مانوس‌تر هستند. به‌عنوان مثال چنانچه پیشتر کشوری، تحت استیلا یکی قدرت استعماری قرار داشته، پس از دستیابی به استقلال، اغلب به همان نظام موجود در کشور استعمارگر روی می‌آورد و از آن نسخه‌برداری می‌کند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و براساس سابقه و سنت‌های اجتماعی جامعه ایران نیز یکی از اصلی‌ترین سازوکارهای شرکت مردم در سرنوشت خویش، برگزاری انتخابات در نظر گرفته شد؛ به‌طوری‌که در طی سه دهه نظام جمهوری اسلامی ایران به‌طور میانگین هر سال یک انتخابات در کشور برگزار شده است. تا سال ۱۳۷۷ رئیس‌جمهوری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری از طریق آرای عمومی انتخاب می‌شدند و از آن سال به بعد انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا نیز به جمع انواع انتخابات کشورمان افزوده شد. ضمن آنکه به موارد مراجعه به آرای عمومی در طی این سه دهه، رفراندوم انتخابات نظام سیاسی در فروردین ۱۳۵۸، انتخابات اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی و رفراندوم بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ را نیز باید اضافه کرد. بدین ترتیب می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران در زمینه تعدد مراجعه به آرای عمومی در بالاترین سطوح کشورهای جهان قرار می‌گیرد. با این حال، در زمینه بررسی نقاط ضعف و قوت و شناخت انتخابات در ایران تاکنون چندان بررسی و مطالعه دقیق و مقایسه‌ای (نسبت به سایر نظام‌های انتخاباتی) انجام نگرفته است. خصوصاً اینکه امروزه با پیچیدگی جوامع معاصر، برگزاری انتخابات نیز روز به روز پیچیده‌تر می‌شود و لذا برگزاری انتخابات با روش‌های کارآمد، کم هزینه و درست که نتیجه آن برآیند گرایش افکار عمومی و اکثریت جامعه باشد؛ نیازمند شناخت دقیق و علمی از سازوکارهای انتخابات و مسائل مرتبط با آن در عصر کنونی است.

نظام انتخاباتی، نظامی است که آراء را به مناصب و پست‌های سیاسی تبدیل می‌کند. مهمترین ابعاد مبحث نظام‌های انتخاباتی عبارتند از فرمول انتخابی (نظام اکثریت ساده، اکثریت مطلق، نمایندگی

تناسبی)، وزن عددی حوزه‌های انتخاباتی (شمار نمایندگان هر حوزه)، حد نصاب انتخاباتی (حداقل حمایتی که هر حزب یا کاندیدا باید برای کسب کرسی به‌دست آورد) و ساختار رای (مانند امکان رأی دادن به بیش از یک حزب در انتخابات).

چنان‌که گفته شد، نظام انتخاباتی با شیوه‌های تبدیل آراء به کرسی‌ها سروکار دارد. نظام‌های انتخاباتی از اهمیت بسیاری در دموکراسی‌ها برخوردارند، زیرا در تعیین نتایج انتخابات، ماهیت نظام حزبی یا غیرحزبی، شمار احزاب عمده، تک‌حزبی یا ائتلافی شدن کابینه‌ها بسیار مؤثرند، به‌نحوی که با تغییر نظام انتخاباتی می‌توان تغییری ماهوی در دموکراسی‌ها ایجاد کرد.

تلاش برای مشارکت گسترده‌تر مردم در مسائل سیاسی از دیدگاه امام خمینی(ره)

۱. لزوم مشارکت همگانی در مسائل سیاسی

از آنجا که نظام متعلق به ملت است و خود ملت هم از آن حمایت می‌کند، از این‌رواست که همگان باید در امر سیاست دخالت داشته باشند:

«حرف ما این است که نه روحانی تنها، همه قشرها باید در سیاست دخالت بکنند. سیاست یک اثری نیست که مال دولت باشد، یا مال مجلس باشد، یا مال افراد خاصی باشد. سیاست معنایش همین وضع آن چیزهایی [است] که در یک کشوری می‌گذرد از حیث اداره آن کشور. همه اهالی این کشور در این معنا حق دارند. خانم‌ها حق دارند در سیاست دخالت بکنند؛ تکلیفشان است. روحانیون هم حق دارند در سیاست دخالت بکنند، تکلیف آنهاست. دین اسلام یک دین سیاسی است. یک دینی است که همه چیزش سیاست است، حتی عبادتش» (صحیفه امام خمینی، جلد ۱۰: ۱۵).

امام خمینی(ره) معتقد است که این حضوری که امروزه وجود دارد، در طول تاریخ بی‌نظیر است؛ به‌نحوی که همه افراد ملت امروزه خود را موظف به دخالت در مسائل سیاسی و اجتماعی می‌بینند:

«یک همچو واقعه‌ای که در ایران واقع شد این عمقش را باید این اشخاص که نظر دارند بفهمند قضیه چیست؟ در چه موقع بود در طول این پنجاه سالی که خوب، بسیاری یادشان هست یا ده، بیست سالی که همه‌تان یا اکثرتان یادتان هست چه وقت بود که همان‌طوری که مردها وارد در میدان نبرد بودند، زن‌ها هم وارد بودند، زن‌ها هم جلو می‌افتادند، زن هم بچه‌های کوچکشان را به آغوش می‌کشیدند و اگر دو تا بود یکی‌اش هم دستش را می‌گرفتند و وارد می‌شدند در تظاهرات و در مقابل این توپ و تانک و امثال اینها. چه وقت در ایران شماها و ما یادمان هست که این‌طور انسجام باشد بین گروه‌های مختلف ملت و این‌طور در امور کشوری و سیاسی همه حضور داشته باشند. اگر یک وقتی یک قصه‌ای هم در کشور واقع می‌شد حتی مردها هم، یک محله تهران اصلاً مطلع از این چیزها نمی‌شدند خانم‌ها هم بی‌تفاوت بودند، مردم هم بی‌تفاوت بودند، آنها هم که مطلع می‌شدند بی‌تفاوت بودند. این حضوری که الان تمام قشرهای ملت دارند این حضور هیچ‌وقت نبوده است. همه افراد ملت الان در مسائل سیاسی و مسائل اجتماعی حاضرند و خودشان را موظف می‌دانند، اگر یک مطلبی واقع بشود که

برخلاف موازین باشد این طور نیست که بی تفاوت باشند، مردم کار نداشته باشند، خانم‌ها هم مشغول کار دیگری باشند» (صحیفه امام خمینی، جلد ۱۳: ۲۵-۲۶).

۲. انتخابات، مصداق بارز حضور مردم در عرصه سیاسی کشور

از منظر امام خمینی(ره) مهمترین حضور سیاسی ملت در مسأله انتخابات است و آن را برای ملت سرنوشت‌ساز می‌دانند:

«از اموری که لازم است امروز تذکر بدهم شاید بعد دیر بشود، قضیه انتخابات است. همان طوری که مکرر من عرض کرده‌ام و سایرین هم گفته‌اند، انتخابات در انحصار هیچ کس نیست، نه در انحصار روحانیین است، نه در انحصار احزاب است، نه در انحصار گروه‌هاست. انتخابات مال همه مردم است. مردم سرنوشت خودشان دست خودشان است. انتخابات برای تأثیر سرنوشت شما ملت است. از قراری که من شنیده‌ام در دانشگاه بعضی از اشخاص رفته‌اند گفته‌اند که دخالت در انتخابات، دخالت در سیاست است و این حق مجتهدین است. تا حالا می‌گفتند که مجتهدین در سیاست نباید دخالت بکنند، این منافی با حق مجتهدین است، آنجا شکست خورده‌اند حالا عکسش را دارند می‌گویند. این هم روی همین زمینه است، اینکه می‌گویند انتخابات از امور سیاسی است و امور سیاسی هم حق مجتهدین است هر دویش غلط است. انتخابات سرنوشت یک ملت را دارد تعیین می‌کند» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۸: ۳۶۷).

از این رو وظیفه تمامی آحاد ملت می‌دانند که به صورت گسترده در آن شرکت کنند: «باید دانشگاهی‌ها متوجه باشند که اگر چنانچه افرادی در دانشگاه هستند که شیطنت دارند می‌کنند، اینها را باید توجه کنند که گول اینها را نخورند. خودشان دخالت در امور انتخابات بکنند. انتخابات سرنوشت حتی شمایی که در آنجا هستید را تعیین می‌کند. یک امری که سرنوشت آحاد ملت در دست اوست، وظیفه آحاد ملت است که در آن دخالت کند، مربوط به یک قشری، دون قشری نیست، همه باید در این دخالت بکنند. و این شیطنت‌هایی که الان دارند می‌کنند، به طوری که به من گفته‌اند برای مایوس کردن بعضی از جوان‌های ماست. این شیطنت را خنثی کنید و فعال وارد بشوید در انتخابات، می‌خواهید خودتان کسانی را تعیین کنید و انتخاب بکنید، می‌خواهید ببینید هر قشری که می‌پسندید حرف‌های آنها را و کاندیدای آنها را. شما هم با آنها باشید. در هر صورت ما باید از کید این خائنین هیچ وقت غافل نشویم» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۸: ۳۶۸-۳۶۹).

بایسته‌های انتخابات از دیدگاه امام خمینی(ره)

۱. حضور حداکثری در انتخابات

از منظر امام خمینی(ره) حضور کوبنده و دشمن شکن مردم در انتخابات یک تکلیف شرعی است:

«مردم در انتخابات موظفند، موظف شرعی هستند که اختلافات کوبنده را از آن دست بردارند و این یک امری است که بین همه هست، یعنی یک تکلیفی متوجه به همه هست، به من طلبه که اینجا نشستام و به شما علما و همه علمای بلاد و همه قشرهای ملت، همه روشنفکران، همه نویسندگان، گویندگان،

به همه تکلیف شرعی است که نگذارید مسأله مثل مسأله مشروطیت بشود. عبرت بگیرید از آنجا، اگر مثل او بشود، آنهایی که مخالف با اسلام و جمهوری اسلامی هستند و بازیگر هستند، آنها می‌آیند قبضه می‌کنند. یکی از اموری که خیلی لازم است، همین مسأله است که باید تذکر بدهند آقایان، تنبه بدهند آقایان» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۸: ۱۷۳).

چرا که اگر مردم حضور گسترده و مؤثر نداشته باشند، این امر سبب شکست نظام و انقلاب است: «دوره اول مجلس در مشروطه بد نبود و شاید هم خوب بود، ولی بعدها کم‌کم رسید به جایی که خودشان افرادی را انتخاب می‌کردند. پس ما باید سعی کنیم مرتبه دوم بهتر از اول باشد، مردم بهتر شرکت کنند، مردم در صحنه حاضر باشند و تحت تأثیر کسی واقع نشوند. مردم با علما و اشخاص مورد اعتمادشان مشورت کنند، بعد به هر کس که خواستند رأی دهند. مردم نباید کنار بروند اگر مردم کنار بروند همه شکست می‌خوریم» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۸: ۲۴۳).

از این رو است که خواستار مشارکت گسترده همه هستند:

«عزیزان من که امید نهضت اسلامی به شماست، در روز تعیین سرنوشت کشور بپاخیزید و به صندوق‌ها هجوم آورید و آراء خود را در آنها بریزید و با کمال آرامش و مراعات کامل اخلاق انسانی اسلامی، این امر مشروع را انجام دهید. من نیز با حال نفاقت، خود را برای شرکت مهیا می‌نمایم» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۲: ۱۷۷-۱۷۸).

و حضور حداکثری در هر انتخاباتی را در هر دوره‌ای از انقلاب به‌عنوان وصیت و درخواست خود از ملت، مطرح می‌کردند:

«وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، در صحنه باشند و اشخاصی که انتخاب می‌کنند روی ضوابطی باشد که اعتبار می‌شود، مثلاً در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر توجه کنند که اگر مسامحه نمایند و خبرگان را روی موازین شرعیه و قانون انتخاب نکنند چه بسا که خساراتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران پذیر نباشد و در این صورت همه در پیشگاه خداوند متعال مسئول می‌باشند» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۴۲۱-۴۲۲).

۲. تلاش همگانی برای تحقق انتخاب اصلح

در منظر امام خمینی(ره) انتخابات پیش از آنکه محلی برای انتخاب دیگری باشد، آزمونی برای شناخت انسان از نفسانیات خود است:

«اما مسأله انتخابات آینده از اهم اموری است که مسؤولیت آن با همه ماست و توجه دارید که دشمنان اسلام در نظر دارند کاری بکنند که انتخابات درست صورت نگیرد و از دست مسلمانانها و متعهدین خارج شود، ولی شما باید تمام قدرت‌تان را صرف کنید که به خوبی انجام شود. انتخابات یک محکی هم برای خودتان است که ببینید آیا می‌خواهید انتخاب اصلح بکنید برای خودتان یا برای اسلام؟ اگر برای خودتان باشد شیطانی است و اما اگر انتخاب اصلح برای مسلمانانهاست، کی و از کجاست، مطرح نیست، از هر گروهی باشد، حزب باشد یا غیرحزب، نه حزب اسباب این می‌شود که غیر آن فاسد و نه صددرصد حزبی

بودن باعث صلاح آنهاست و انتخاب اصلح برای مسلمین یعنی انتخاب فردی که تعهد به اسلام و حیثیت آن داشته باشد؛ و همه چیز را بفهمد» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۸: ۱۹۶-۱۹۷).
از منظر امام خمینی(ره) ملت ایران به آن اندازه از بلوغ رسیده‌اند که خود می‌توانند اصلح را تشخیص دهند:

«باید یک دولت مستقری با همت شماها، با همت ملت، یک انتخابات صحیحی بشود با همت ملت، ملت می‌شناسد افراد صالح را، لازم نیست که حالا یک چند سال هم ما درشان بدهیم، نخیر خودشان می‌فهمند، این ملت چیز می‌فهمد، می‌فهمد کی آدم صالح است کی آدم ناصالح، البته گاهی هم یک کسی خودش را جا می‌زند اما این گاهی است. هر کسی در هر شهری که هست طول این بیست، سی سالی که همراه با این مردم بوده می‌داند که اینها کدام یکی‌شان از ریشه‌های آنهاست کدام یکی‌شان نیستند، می‌فهمند کی بوده است که در آنجا خوش رقصی کرده و کی بوده است که نه، آن‌طور نبوده مخالف بوده و نتوانسته صحبت کند، می‌شناسند. مردم آنی را باید انتخاب بکنند که می‌شناسند که به این ملت خدمتگزار است و دلش برای این طبقه ضعیف می‌سوزد» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۰: ۵۲۴).

۳- میزان در انتخابات، رأی مردم

امام خمینی(ره) میزان و ملاک را در انتخابات رأی مردم می‌داند:

«میزان، رأی ملت است. ملت یک وقت خودش رأی می‌دهد، این اساس یک وقت یک عده‌ای را تعیین می‌کند که آنها رأی بدهند، آن در مرتبه دوم صحیح است والا مرتبه اول، حق مال خود ملت است. شما خون دادید، حقوقدانان برای شما تکلیف معین کنند؟ خودتان باید تکلیف معین کنید. شمائید، همین ملت، همین مردم محروم دانشگاه، جوان‌های محروم دانشگاه، همین جوان‌های محروم مدرسه فیضیه، همین جوان‌های محروم در ارتش، همین جوان‌های محروم در بازار، همین جوان‌های محروم در کارخانه‌ها و در کشاورزی، اینها باید رأی بدهند. بهانه‌ها را کنار بگذارید، از خدا بترسید، با ملت شوخی نکنید، رأی مردم را هیچ حساب نکنید، مردم را به حساب بیاورید» (صحیفه امام خمینی، ج ۸: ۱۷۳).

از این رو معتقدند که انتخابات نیاز به قییم ندارد تا مردم را به سمت فرد خاصی هدایت کنند:

«همان‌طور که بارها گفته‌ام مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قییم ندارند و هیچ فرد و یا گروه و دسته‌ای حق تحمیل فرد و یا افرادی را به مردم ندارند. جامعه اسلامی ایران که با درایت و رشد سیاسی خود جمهوری اسلامی و ارزش‌های والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته‌اند و به این بیعت و این پیمان بزرگ وفادار مانده‌اند، مسلم قدرت تشخیص و انتخاب کاندیدای اصلح را دارند. البته مشورت در کارها از دستورات اسلامی است و مردم با متعهدین و معتمدین خویش مشورت نمایند و افراد و گروه‌ها و روحانیون در حد تذکرات قبلی در حوزه خود می‌توانند کاندیدا معرفی نمایند، ولی هیچ کس نباید توقع داشته باشد که دیگران اظهارنظر و اظهار وجود نکنند» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۱۲).

در منظر حضرت امام(ره) تمام افراد جامعه فارغ از پست و مقامشان در امر انتخابات، فقط یک رأی

دارند و هیچ کس نمی‌تواند به مقتضای موقعیت ویژه خود این امر را نقض کند:

«امروز که کشور دست خود شما افتاده است و دیگر یک آقا بالا سر ندارید که بیاید بگوید این کار را بکن، آن کار را بکن. از خارج ما هیچ کس را الحمدلله نداریم دیگر. هیچ قدرتی الان در ایران نمی‌تواند یک کاری را تحمیل کند به ما. امروز باید خود شما بنشینید کارتان را انجام بدهید. انتخابات مثل سابق نباشد که از مرکز دستور داده می‌شد که این باید وکیل بشود دیگر کسی هم حق ندارد حرفی بزند. انتخابات دست مردم است، رئیس جمهور و نخست وزیر با آن رعیتی که در کشاورزی کار می‌کند و آن بازاری‌ای که در بازار کار می‌کند، راجع به انتخابات یک جور هستند، علی‌السواء هستند. یعنی رئیس جمهور یک رأی دارد، نخست وزیر هم یک رأی دارد و آن کشاورزی که در دوردست افتاده‌ترین این کشور است آن هم یک رأی دارد. رأیشان فرقی با هم ندارد و همه هم مسئول هستند. در تشخیص خوب و بد اتکال به قول غیر نکنید مگر اشخاص باشند که مورد اعتماد خودتان باشد صدرصد. این را به مردم دارم می‌گوییم» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۸: ۲۸۳).

۴- لزوم توجه متصدیان امر انتخابات به وظایف خطیر خود

از دیدگاه امام خمینی(ره) مهمترین بُعد انتخابات، سلامت آن است:

«لکن من از همه قشرها، از همه ملت می‌خواهم که آداب اسلامی خودشان را نسبت به همه امور، خصوصاً در انتخابات حفظ کنند و مبدا خیال کنند که مبارزات انتخاباتی عبارت از این است که به دیگران بد بگویند و کارشکنی بکنند. البته دعوت به انتخاب اشخاص مانع ندارد لکن توجه داشته باشند که همان‌طور که انتخاب رئیس جمهور، به آن سلامت و به آن آرامش و به آن خوبی گذشت که نمونه بود در ایران من امید آن دارم که این انتخابات هم به همان‌طور بگذرد و همه با هم برادروار در یک مقصد باشیم در یک مقصد باشیم و خداوند را شاهد بدانید و ناظر بدانید و نهضت را لکه‌دار نکنید. دشمن‌ها در صدند که خرده‌گیری کنند و من امیدوارم که خداوند همه شما را تأیید کند و همه با سلامت این انتخابات را هم بگذرانید و بعد را هم همین‌طور» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۲: ۱۵۱-۱۵۲).

از این رو از ناظران انتخابات می‌خواهد که مراقب رفتار و گفتار خود باشند:

«حالا شما خواهید که در این انتخابات البته نظارت کنید، شما باید توجه کنید که این رژیم، رژیم انسانی- اسلامی است، رژیم طاغوتی نیست، یک کلمه نباید شماها مطلبی بگوئید که تحمیل اسمش باشد مطلبی که عمل بکنید. همان‌طوری که مردم در رفتارند بود آزاد بودند. مردم را باید آزاد بگذارید. بله، وساتلش را شماها فراهم می‌کنید، نظارت بر اینها که مبدا یک وقت خیانت بشود در این‌طور چیزها. مثل سابق نباشد که بردند و هر چه که می‌خواستند می‌ریختند تویش و می‌آوردند و عرضه می‌داشتند. نظارت باشد بر صندوق‌ها به‌طوری که هیچ کس نتواند خیانت کند. صندوق‌ها دست امین‌ها باشند، امین از ملت باشد که بعد صحبت نشود. برای شما که فلان فرماندار مثلاً دخالت کرد در این امر» (صحیفه امام خمینی، ج ۹: ۱۲۱).

۵- لزوم شناخت تحرکات دشمن در امر انتخابات

امام خمینی(ره) حربه دشمن را در امر انتخابات، خدشه وارد کردن به آن می‌داند:

«توجه به اینکه انتخابات جوری باشد که مردم‌پسند باشد، نه جوری باشد که فرض کن خان‌پسند باشد، ما او را نمی‌خواهیم. مردم‌پسند باشد، یعنی مردم احساس بکنند به اینکه مسأله انتخابات به آن طوری که قانون انتخابات گفته است، به آن طوری که اسلام می‌خواهد دارد عمل می‌شود. عمل مال شماست، قانون یک ثبتي است که می‌شود، یک وظیفه‌ای تعیین می‌کند، لکن آنی که مهم است در مقام عمل است، مقام عمل جوری باشد که تطبیق بکند با قانون و مردم راضی باشند در عمل و توجه به این معنا هم از لازمت است که توجه بکنید که اخلاک‌گرها نیابند خرابکاری بکنند. بلاشکال در زمان انتخابات یک دسته اخلاک‌گر هم پیدا می‌شوند که می‌خواهند خدشه‌دار بکنند و می‌خواهند هیاهو بکنند، این کارها را بکنند، این را با شدت جلوی پیش را بگیرند که اخلاک نکنند» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۸: ۳۸۰).

از این‌رو همگان را به هوشیاری در برابر توطئه‌های دشمنان فرا می‌خوانند:

«خوف آن دارم که در اثر تبلیغات دامنه‌دار دشمنان نهضت اسلامی و مخالفان جمهوری اسلامی که در ظرف این یک‌سال با هر وسیله ممکن به تضعیف آن کوشا بوده‌اند و اخیراً که قدم آخر پیروزی را ملت عزیز هوشیار برمی‌دارد، تبلیغات و شایعه‌سازی‌ها به اوج خود رسیده و چون خود و الهام‌دهندگان خود را در آستانه شکست نهایی یافتند از هیچ مستمسکی دست‌بردار نیستند که جوانان عزیز ما را که به همت والای خود نهضت اسلامی را پیش برده‌اند، در این مرحله نهایی مجبور سازند تا سردی و سستی از خود نشان دهند و تحت تأثیر این شایعه‌ها واقع شوند و از شرکت در این امر حیاتی اسلامی خودداری کنند. اینجانب که عمر نالایق خود را برای خدمت به اسلام و ملت شریف در طبق اخلاص تقدیم می‌کنم، امید است تقاضای متواضعانه و استدعای خیرخواهانه‌ام را بپذیرید و با شرکت عمومی خود در انتخابات، قطع امید دشمنان جمهوری اسلامی و وابستگان به رژیم منحط سابق و هواخواهان آن خصوصاً دولت آمریکای ستمکار را بنمایید» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۲: ۱۷۷).

نتیجه‌گیری

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره) همواره در پیام‌ها و سخنرانی‌ها در برابر نظام سلطنتی بر حکومتی تأکید داشت که بر احکام اسلام و رأی مردم بنیان‌گذارده شده باشد و مردم را صاحبان اصلی نظام دانسته و مشارکت آنان را ضامن تداوم انقلاب بیان داشته‌اند. امام(ره) بر حضور حداکثری مردم در انتخابات تأکید می‌کنند و با توجه به اهمیت و نقش حضور مردم در صحنه انتخابات است که باید همت و تلاش تمامی مسئولان و دست‌اندرکاران کاندیداها و رسانه‌ها به این امر معطوف شود که با اقدامات سنجیده و تدابیر لازم و فضا‌سازی مناسب زمینه‌های حضور حداکثری مردم در انتخابات را فراهم سازد چراکه تبلیغات دشمنانی در خارج کشور و شکست‌خوردگان سیاسی در داخل، آن را بهانه‌ای برای ناکارآمدی و مأیوس شدن مردم از انقلاب و نظام دانسته و از آن بهره‌برداریهایی مغرضانه‌ی سیاسی می‌کنند.

منابع

- نهج البلاغه
- ابرکراسی، نیکلاس و هیل واس کزیر (۱۳۷۶)، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویایی، انتشارات چاپخش، چاپ اول.
- احمد امینی نجفی (ره)، علامه شیخ عبدالحسین، الغدیر، ترجمه محمدتقی واحدی.
- اطاعت، جواد (۱۳۷۶)، مشارکت سیاسی در نظام‌های کثرت‌گرا، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۲۴-۱۲۳: ۴۷.
- ایوبی، حجت‌اله (۱۳۷۹)، اکثریت چگونه حکومت می‌کنند؟، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول.
- پاسمر، مونتی؛ لاری، اشترن؛ کایل، چارلز؛ نگرش جدید به علم سیاسی.
- جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۷۳)، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- دارابی، علی (۱۳۸۸)، رفتار انتخاباتی در ایران، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سروش.
- راش، مایکل (۱۳۷۷)، جامعه سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، انتشارات سمت، چاپ اول: ۱۲۴-۱۲۳.
- سجادی، جعفر (۱۳۶۲)، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۴، تهران: مؤلفان.
- شاخص‌های مکتب حضرت امام خمینی (ره) (۱۳۹۴)، جلد دوم، پژوهش و تدوین: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، چاپ اول.
- شهبازی، محبوب (۱۳۸۰)، تقدیر مردم‌سالاری ایرانی، انتشارات روزبه، چاپ اول: ۱۳۲.
- صدامی، سیف‌الله (۱۳۸۱)، حقوق مردم در حکومت از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- عبدالحمید، ابوالحمد (۱۳۶۸)، مبانی علم سیاست، تهران: انتشارات توس، جلد اول.
- قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۳)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ دوازدهم، تهران: نشر میزان.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۶)، سیاست‌های مقایسه‌ای، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم: ۱۳۲.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۸۸ ه.ق)، الاصول من الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کواکبیان، مصطفی (۱۳۷۸)، مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه، مؤسسه نشر آثار امام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲)، (۱۳۱۳)، حقوق و سیاست در قرآن، نگارش: محمد شهربابی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- معرفت، محمدهادی، ولایت فقیه، ناشر: ذوالقربی.
- نرم‌افزار حدیث ولایت، (بیانات مقام معظم رهبری)، تهیه شده توسط مؤسسه فرهنگی پژوهش‌های انقلاب اسلامی.
- نرم‌افزار صحیفه امام (ره)، (بیانات امام خمینی (ره))، تهیه شده توسط مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره).
- هرسیچ، حسین و نصرالدین، نانس (۱۳۸۰)، ارزیابی مدل‌های دموکراسی هند در سنجش با آرای پوپر، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۱۹۶-۱۹۵.
- هشام احمدعوض، جعفر، مصلحت شرعی و حاکمیت سیاسی، ترجمه اصغر فرهادی.